

مادرزادنداریها! نویسنده

مهرم فردی

دوستان عزیز نوجوانم سلام. این اولین شماره از مجله در سال تحصیلی جدید است. دوستانی که سال گذشته مجله را می‌خواندند، می‌دانند که ما در چند شماره درباره انواع نوشتن صحبت کردیم. ولی تمرکز ما روی نوشتن داستان کوتاه بود و کوشیدیم مهم‌ترین عناصر داستان‌نویسی را خیلی خلاصه مرور کنیم. امسال می‌خواهیم تمرکز خودمان را بگذاریم روی مبحث «نوشتن»؛ اینکه چگونه به خودمان جرئت بدهیم که جلوی یک کاغذ سفید بنشینیم و قلمی را برداریم و شروع کنیم به نوشتن. تلاش می‌کنم در هشت شماره مبحث‌های اصلی را برای شما توضیح بدهم. در هر شماره هم یک تمرین داریم. سعی کنید حتماً این تمرین‌ها را انجام دهید و هر چه می‌نویسید را برای ما بفرستید. راه‌های ارتباط با مجله را در همین صفحه می‌توانید پیدا کنید.

چرا نوشتن ترسناک است؟

واقعاً؟ نوشتن ترسناک است؟ برای کسی که تجربه نوشتن نداشته باشد، احتمالاً این سؤال خنده‌دار است. نوشتن مگر چیست که کسی از آن بترسد؟ من می‌گویم حتی ممکن است آن چند دقیقه اولی که چیزی نوشته‌اید هم ترسناک نباشد. یک صفحه جدید در رایانه خودتان باز کرده‌اید، یا یک صفحه جدید از دفترتان، بعد تندتند هر چه به ذهنتان رسیده است، نوشته‌اید و تمام. ترس کجا بود؟ ولی ای قهرمانان عرصه نوشتن، اگر این کار را ادامه بدهید حتماً آن ترس را درک خواهید کرد. روزی می‌رسد که جلوی یک کاغذ سفید چشم‌هایتان از حدقه در خواهد آمد، ماهیچه‌هایتان قفل خواهد شد و فشار خونتان طوری افت می‌کند که پناه می‌برید به خوراکی‌های یخچال، بله، بهانه‌ای به دست می‌آورید و از نوشتن فرار می‌کنید. یادتان می‌افتد که باید به پیامی جواب بدهید، یا گرسنه می‌شوید، یا خوابتان می‌گیرد، یا... همه این‌ها یعنی از نوشتن می‌ترسید؛ از آن کاغذ سفیدی که جلوی شماست. این اولین مشکلی است که هر نویسنده‌ای با آن مواجه می‌شود. پس به جهان نویسنده‌ها خوش آمدید.

با اضطراب نوشتن چه کنیم؟

اولین قدم این است که آن را بشناسید و از وجودش آگاه باشید. این ترس و اضطراب در هر صورت وجود دارد. ولی هر چه بیشتر آن را بشناسید و تشخیص دهید، راحت‌تر می‌توانید آن را مدیریت کنید. من برای نوشتن متنی که تا الان خواندید، چند بار خواستم از پشت میز بلند شوم، برای خودم چای بریزم، گوش‌ام را وارسی کنم، به گل‌ها آب بدهم، حتی یادم افتاد که باید ماشین لباس‌شویی را روشن کنم. ولی هیچ کدام از این‌ها را انجام ندادم. چون می‌دانم این‌ها ترفندهای مغز من هستند تا از کار سخت نوشتن فرار کنم. من به خاطر تجربه متوجه این موضوع هستم. پس تنها کاری که می‌کنم این است که با همه اراده‌ام سر جایم بنشینم و تا تمام شدن این مطلب بلند نشوم. پس قدم اول «آگاهی» است.

برگردیم به اولین سؤالی که پرسیدم: چرا نوشتن ترسناک است؟
معمولاً چند دلیل مهم وجود دارد که ممکن است حواستان به آنها نباشد:

● می‌ترسید اشتباه کنید. یعنی نگرانید جمله‌ای را غلط بنویسید. یا مثلاً یک اشتباه ویرایشی داشته باشید. یا در نوشتن یک مقاله از مسیر فکری درست خارج شوید و به این ترتیب دیگران دربارهٔ اطلاعات و دانش شما قضاوت اشتباهی داشته باشند. این ترس از قضاوت دیگران می‌تواند نویسنده را فلج کند و حتی جلوی نوشتن او را بگیرد.

● می‌خواهید انتظارات دیگران را برآورده کنید. مثلاً موقع نوشتن چهرهٔ معلم انشا جلوی چشمتان است و می‌خواهید هر جمله را طوری بنویسید که او راضی باشد. یعنی به جای او هم فکر می‌کنید. این مخاطب خیالی می‌تواند پدر، مادر یا حتی هم‌کلاسی‌هایتان باشند. بخشی از این موضوع خیلی طبیعی است. به هر حال هر متنی نوشته می‌شود تا خوانده شود. هر متنی نویسنده دارد و مخاطب. پس طبیعی است که موقع نوشتن به مخاطب هم فکر کنیم. ولی نباید اجازه دهید این فکر آن قدر قوی شود که جلوی نوشتن شما را بگیرد.

● خودتان را با بهترین‌ها مقایسه می‌کنید. مثلاً متنی از یک نویسنده حرفه‌ای خوانده‌اید و حالا می‌کوشید مثل او بنویسید. ولی مگر می‌شود؟ خیلی طبیعی است که این اتفاق نیفتد. نویسنده‌های حرفه‌ای سال‌ها برای نوشتن زحمت کشیده‌اند. پس خیلی طبیعی است که نتوانید مثل آنها بنویسید. چرا از خودتان انتظار ندارید که مثل یک ورزشکار حرفه‌ای یا یک برنامه‌نویس رفتار کنید. ولی دربارهٔ نوشتن چنین انتظاری دارید؟

● می‌خواهید بی‌نقص باشید. این یعنی کمال‌گرایی. می‌خواهید متنی بنویسید که هیچ کس نتواند از آن ایراد بگیرد. این هم امکان ندارد. حتی از نوشته‌های بهترین نویسنده‌های جهان هم می‌توان ایراد گرفت.



راه‌های ارتباطی شما برای

فرستادن متن و داستان، رایانامهٔ مجله:

nojavan@roshdmag.ir

یا شمارهٔ پیامک ۳۰۰۰۸۹۹۵۹۶

من به شما چند راه حل پیشنهاد می‌دهم تا از نوشتن لذت بیشتری ببرید:

● یادتان باشد که نوشتن مهارتی است که باید یاد بگیرید؛ مثل رانندگی، خیاطی یا برنامه‌نویسی. نوشتن هم اصول و پایه‌هایی دارد. هر چه دانش بیشتری دربارهٔ آن داشته باشید و بیشتر تمرین کنید، راحت‌تر خواهید نوشت. هرگز فراموش نکنید که هیچ کس نویسنده متولد نمی‌شود، بلکه با یادگیری و تمرین نویسنده می‌شود.

● اشتباه کردن بخشی از نوشتن است. اگر قرار بود با اولین تلاش بهترین نتیجه را بگیرید، پس چرا نویسنده‌های بزرگ سال‌های طولانی از عمرشان برای نوشتن زحمت کشیدند. می‌توانید تصور کنید در زمانه‌ای که فقط مداد و کاغذ بود، نویسنده‌ای رمان چند هزار صفحه‌ای خودش را بیست بار یا سی بار بازنویسی کرده باشد؟ بله، همین قدر نویسنده‌ها زحمت کشیده‌اند تا هر بار بهتر بنویسند.

● یک متن را در چند مرحله بنویسید. یعنی یک کار بزرگ را به مراحل کوچک تقسیم کنید. نوشتن یک مقالهٔ سه صفحه‌ای ترسناک‌تر از نوشتن سه مقالهٔ یک صفحه‌ای است.

● یادتان باشد اجازه دارید متن خودتان را بازنویسی و ویرایش کنید. پس اولین باری که می‌نویسید، بار آخر نیست. با خیال راحت بنویسید و متن را تمام کنید. اشتباه‌ها را بعداً درست می‌کنید.

● به آدم‌های مغروری که به راحتی دیگران را مسخره یا تحقیر می‌کنند اجازه ندهید اولین خواننده‌های متن شما باشند. سعی کنید در ابتدای کار از راهنمایی آدم‌های دلسوز و مهربان کمک بگیرید؛ مثل معلم انشا یا دوستی که تجربهٔ بیشتری دارد. بعدها که نویسندهٔ بهتری شدید، نظر بیماران روانی برایتان مهم نخواهد بود.

همهٔ این‌ها را گفتم، ولی یادتان باشد نوشتن یکی از لذت‌بخش‌ترین کارهای دنیاست. اگر موارد بالا را کم‌کم بشناسید و در خودتان تشخیص دهید، روزبه‌روز از نوشتن و خلق یک متن جدید لذت بیشتری خواهید برد. پس به نوشتن ادامه دهید.

تمرین:

در ۵۰۰ کلمه یا دو صفحه نظر خودت را دربارهٔ «نوشتن و نویسندگی» بنویس و برای ما بفرست.